

همراه با دانشنامه آثار فقهی شیعه

## فقه القرآن راوندی

○ خلیل گریوانی

اشاره

مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی عهده دار تدوین مجموعه های گوناگون دانشنامه ای در زمینه فقه مکتب اهل بیت (ع) است. «دانشنامه آثار فقهی شیعه» یکی از این مجموعه هاست که تدوین آن آغاز شده است. هدف این دانشنامه، کتاب شناسی توصیفی، تشریحی، تحلیلی و انتقادی مهم ترین آثار فقهی شیعه از آغاز عصر غیبت تا عصر حاضر است.

نگارش چنین دانشنامه ای نه تنها در حوزه فقه بی سابقه است، بلکه در گستره سایر علوم نیز نمونه ای برای آن در زبان فارسی نمی توان یافت. از این رو، دست اندر کاران این دانشنامه خود را سخت نیازمند پیشنهادها و انتقادهای فقه پژوهان و کارشناسان عرصه کتاب شناسی می دانند.

فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت (ع) از این پس برخی از مقالات گروه «دانشنامه آثار فقهی شیعه» مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی را به منظور اطلاع رسانی تدریجی از محتوای این دانشنامه و نیز استفاده از راهنمایی های صاحب نظران در ادامه کار تدوین نهایی دانشنامه، منتشر می کند. بدیهی است این مقالات متناسب با این نشریه عرضه می شود، نه به شیوه دانشنامه نویسی؛ ولی در متن نهایی دانشنامه، محتوای آن کاملاً قالب دائرة المعارف خواهد داشت. در این شماره به معرفی «فقه القرآن» راوندی خواهیم پرداخت.<sup>۱</sup>

### فقه القرآن

دوره کامل فقه براساس آیات الأحکام و به ترتیب ابواب فقهی نوشته: قطب الدین ابوالحسن سعید بن هبة الله بن حسن راوندی کاشانی، متوفا: ۵۷۳. ۲.  
او در راوند کاشان به دنیا آمد و در قم از دنیا رفت. پدر و جد او از علما بودند.<sup>۳</sup> خوانساری مشایخ وی را از علمای خاصه و عامه، بیش از ۲۵ تن ذکر

۱. راوندی، قطب الدین ابوالحسن سعید بن هبة الله، فقه القرآن، تحقیق: سیداحمد حسینی به اهتمام سید محمود مرعشی، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، قم، دوم، ۱۴۰۵، ۲ مجلد، ۴۴۴ و ۴۴۹ صفحه، عربی، وزیری.
۲. اهل تراجم در کنیه وی اختلاف کرده اند، برخی ابو الحسن و برخی دیگر ابوالحسن گفته اند. افندی می گوید: «کفعمی و غیر او، کنیه وی را ابوالحسن ذکر کرده اند، لیکن بنا بر آنچه مؤلف به خط خود بر کتاب شرح نهج البلاغه ثبت کرده، کنیه وی ابوالحسن می باشد» افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: سیداحمد حسینی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۱۹.
۳. سید محسن امین، اعیان الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت-لبنان، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷، ص ۲۳۹ و ج ۱۰، ص ۲۶۲؛ شیخ حر عاملی، محمد بن الحسن بن علی، أمل الأمل فی علماء جبل العامل (تذکره المتبحرین فی العلماء المتأخرین)، تحقیق: سیداحمد حسینی، دارالکتب الاسلامیه، چاپخانه نمونه، قم، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۱۲۵.

کرده است که از آن جمله می توان به ابوعلی فضل بن حسن طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان، سیدابوصمصام ذوالفقاربن محمدبن معبدالحسینی، والد خواجه نصیرالدین طوسی وابن الاخوه بغدادی اشاره کرد و از شاگردان معروف وی می توان محمدبن علی بن شهرآشوب سروری مازندرانی صاحب کتاب متشابه القرآن و مختلفه را نام برد.<sup>۴</sup>

مؤلف، نامی بر کتاب خویش نهاده است، بلکه فقط در مقدمه می نویسد: «تصمیم گرفتم کتابی در فقه القرآن تألیف کنم». از این رو، کتاب بیشتر به فقه القرآن شهرت یافت؛ هر چند گاهی از آن به «فقه الراوندی»<sup>۵</sup>، «احکام الراوندی»<sup>۶</sup>، «آیات الاحکام»<sup>۷</sup>،

۴. خوانساری اصفهانی، میرزا محمد باقر موسوی، *روضات الجنات في احوال العلماء و السادات*، تحقیق: اسدالله اسماعیلیان، مکتبه اسماعیلیان، تهران، ج ۴، ص ۵-۷.

۵. حسینی عاملی، سید محمد جواد، *مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة*، تحقیق و تصحیح: شیخ محمد باقر خالصی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ ق، چاپ اول، قم، ج ۱۲، ص ۲۹۹؛ نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام في شرح شرایع الاسلام*، تحقیق و تصحیح: شیخ عباس قوچانی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ج ۲۷، ص ۲۸.

۶. فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد بن اصفهانی، *کشف اللثام والابهام عن قواعد الاحکام*، تحقیق و تصحیح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق، چاپ اول، قم، ج ۱، ص ۵۲۹؛ طباطبایی، سید علی بن محمد بن ابی معاذ، *ریاض المسائل في تحقیق الاحکام بالدلائل*، تحقیق و تصحیح: محمد بهره مند، محسن قدیری، کریم انصاری، علی مروارید، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق، قم، ج ۱، ص ۱۳۸؛ نراقی، مولی احمد بن مهدی، *مستند الشيعة في احکام الشریعة*، تحقیق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، چاپ اول، قم، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۱۳.

۷. *مستند الشيعة*، ج ۷، ص ۷۷؛ نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق و تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، بیروت، چاپ اول، ج ۱، ص ۲۳۰.

«احکام القرآن»<sup>۸</sup> و «تفسیر القرآن»<sup>۹</sup> نیز یاد شده است. در منابع فقه و تراجم از آثار دیگر مؤلف در زمینه فقه قرآن به نام های «شرح آیات الاحکام» و «ام القرآن» یاد شده که به نظر برخی از محققان، این آثار نام های دیگر همین کتاب اند.<sup>۱۰</sup>

مؤلف آثار فقهی دیگری مانند «الشجار فی وجوب غسل الجنابة»، «النیات فی جمیع العبادات»، «الرائع»، «المغنی» و «حل المعقود من الجمل و العقود» نیز دارد که در این کتاب برخی از آنها را نام برده است.<sup>۱۱</sup> تاریخ آغاز تألیف روشن نیست، اما تاریخ پایان آن ده سال قبل از وفات مؤلف؛ یعنی سال ۵۶۳ بوده است.<sup>۱۲</sup> انگیزه راوندی در تألیف این کتاب بنا بر آنچه در مقدمه آورده است، فقدان کتابی در باره فقه قرآن و کم توجهی فقیهان به آیات الاحکام بوده است. راوندی در مقدمه می گوید: «از علمای گذشته و معاصر در جهان اسلام کسی را نیافتم که در زمینه فقه کتاب خدا تألیفی داشته باشد»<sup>۱۳</sup>. این در حالی است که قبل از او مفسران و

۸. شهید اول، محمد ابن مکی عاملی، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، تحقیق و چاپ: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ستاره، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۱۳۶؛ عاملی، محمد بن علی موسوی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق و تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، ج ۸؛ مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) ۱۴۱۱ ق، بیروت، چاپ اول.

۹. جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۷۷.

۱۰. ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۲۴-۴۲۳؛ نوری، میرزا حسین، خاتمة مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، قم، چاپ اول، ج ۱، ص ۱۸۴.

۱۱. فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۱ و ۱۸۶. برخی مجموع آثار علمی وی را در علوم مختلف تا ۵۶ مورد ذکر کرده اند (ر. ک: اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۲۴۱).

۱۲. طهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶، ص ۲۹۶. در خاتمة مستدرک الوسائل به نقل از خط مؤلف بر نسخه ای از کتاب، پایان آن را محرم سال ۵۶۲ ذکر کرده. (خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۴).

۱۳. مؤلف در مقدمه کتاب چنین آورده است: چیزی که مرا برانگیخت تا دست به نگارش چنین

فقیهان شیعه و اهل سنت کتاب‌های متعددی در این زمینه تألیف کرده بودند<sup>۱۴</sup>. به نظر می‌رسد مقصود راوندی، کتابی در موضوع آیات الاحکام و بر اساس ترتیب ابواب فقهی است؛ زیرا شیوه دانشمندان اهل سنت در تألیف آثار در زمینه فقه قرآنی، رعایت ترتیب آیات و سوره است<sup>۱۵</sup>. گویا راوندی این گونه تألیفات را در زمره کتب تفسیری می‌دانسته و نظر به آنها نداشته است. تألیفات شیعه قبل از راوندی در این زمینه نیز هیچ یک تاکنون باقی نمانده است و با توجه به اینکه در هیچ یک از منابع فقهی و تفسیری شیعه در عصر راوندی از این گونه منابع مطلبی نقل نشده، گویا در عصر وی نیز این تألیفات در دسترس او و سایر علماء شیعه نبوده است. از این رو، می‌توان ادعا کرد که راوندی به ابتکار خود و بدون اثرپذیری از

> کتابی بزنم، این بود که در میان پژوهشگران کتابی را نیافتم که به خوبی به بررسی این مهم پرداخته باشد؛ یعنی کتابی که در آن فقه قرآن یا سخنان خداوند متعال بررسی شده باشد، در دست نبود. پس بر آن شدم که همه مباحث مربوط به آن را مانند: لفظ و معنا و ظاهر و باطن آیاتی که در باره احکام شرعی فرو فرستاده شده است، بررسی کنم. نظر علمای شیعه این است که ما پس از روایات محکم و معتبری که از ائمه معصوم (علیهم السلام) داریم با بودن اجماع، دیگر یقین پیدا می‌کنیم که به چشمه زلال معرفت دست یافته ایم، ولی چه زیبا است، که افزون بر سخنان امامان معصوم (علیهم السلام) آیاتی از قرآن نیز باشد که چشمان ما را روشن و دلیل ما را محکم کند و یقین ما را فزونی بخشد. به این خاطر، دست به کار نگارش این کتاب شدم تا با مبانی و استدلال‌های محکم خود خواننده را راضی و بی‌نیاز سازد و او به راحتی به درک مطالب آن نایل آید، بی‌آنکه سخن به درازا کشد و در بیان مقصود، ایجاد اخلال کند و هر فقیه دانشمندی با دیدنش آن را تصدیق کند و به آن رضایت دهد، و از خداوند متعال انجام این مهم را خواستارم.

۱۴. در این مورد مراجعه شود به: مقدمه آیت الله شهاب الدین مرعشی نجفی بر کتاب مسالک الافهام الی آیات الاحکام، مجله تراثنا، مؤسسه آل البیت (ع)، شماره ۱۵، ۱۴۰۹ هـ. ق.  
 ۱۵. مانند تفسیر آیات الاحکام تألیف محمد بن ادریس شافعی، (م ۲۰۴)، احکام القرآن تألیف احمد بن علی جصاص (م ۳۷۰)، احکام القرآن، تألیف قاضی ابی بکر بن عربی، (م ۵۴۳).

کسی، اقدام به تألیف اثری در زمینه فقه قرآنی، بر اساس ترتیب ابواب فقهی کرده است و پس از او نیز از این شیوه میان فقیهانی از شیعه که اقدام به تألیف در زمینه فقه قرآنی کرده اند، پیروی شده است.<sup>۱۶</sup>

#### ابواب فقهی

کتاب های مربوط به تفسیر آیات الاحکام در نظم و ترتیب مباحث از دو شیوه متفاوت پیروی می کنند. آثار شیعه بر اساس ترتیب ابواب فقهی و آثار اهل سنت - چنان که گذشت - بر اساس ترتیب آیات قرآن نظم یافته اند. فقه القرآن که پیشگام گروه اول است، دارای ۲۲ کتاب فقهی از طهارت تا دیات است که مؤلف در تعداد، ترتیب و عناوین این کتاب ها دقیقاً از نهاییه شیخ طوسی تبعیت کرده است؛ هر چند گاهی در تنظیم ابواب و فصول ذیل هر کتاب شیوه ای نوین برگزیده<sup>۱۷</sup>، یا از برخی آثار دیگر فقهی همچون مبسوط شیخ پیروی کرده است.<sup>۱۸</sup>

۱۶. افندی در ریاض از او به عنوان اولین کسی که شرح نهج البلاغه و تفسیر آیات الاحکام نوشته، یاد کرده (ر. ک: ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۲۱).

۱۷. مثلاً در حالی که در نهایتاً مبحث احکام میاه در باب دوم از ابواب طهارت ذکر شده، در فقه القرآن تقریباً در پایان کتاب طهارت آمده و یا در حالی که شیخ در نهایتاً مبحث مربوط به احکام میت غیر از نماز را در کتاب طهارت ذکر کرده، مؤلف این بحث را به مناسبت نماز میت در کتاب صلوات آورده است (فقه القرآن، ج ۱، ص ۵۸ و ۱۶۲؛ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتب العربیه، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۰ ق، ص ۱۴۳).

۱۸. به عنوان نمونه، مؤلف مباحث مربوط به خمس را تحت عنوان باب و در بین مباحث مربوط به زکات مال و زکات فطره قرار داده؛ در حالی که بحث خمس در غالب کتب فقهی خود عنوان یک کتاب فقهی است و معمولاً پس از کتاب زکات مطرح می شود. به نظر می رسد مؤلف محترم در قرار دادن عنوان باب برای مبحث خمس از کتاب نهاییه شیخ و در قرار دادن این بحث بین بحث زکات اموال و زکات فطره از مبسوط شیخ طوسی پیروی کرده باشد.

<

عناوین کتب فقهی در فقه القرآن عبارت اند از: طهارت، صلات، صوم، زکات و عبادات مالی، حج، جهاد، دیون و کفالات و حوالات و وکالات، شهادت، قضایا، مکاسب، متاجر، نکاح، طلاق، عتق و انواع آن، ایمان و نذور و کفارات، صید و ذباحت، اطعمه و آشربه، وقوف و صدقات، وصایا، موارث، حدود و دیات.

او در پایان هر کتاب غیر از کتاب متاجر، بخشی را به عنوان «الزیادات» آورده و ذیل آن مطالبی را تحت عنوان مسئله مطرح ساخته و در ضمن آن مسائل، به برخی مباحث مربوط به آن کتاب مانند معنای برخی لغات که در آن کتاب فقهی مطرح شده و روایات مربوط به موضوع پرداخته است. او در ایجاد چنین سرفصلی در پایان هر کتاب، از مقنعه شیخ مفید و تهذیب الاحکام شیخ طوسی پیروی کرده است.

در آغاز کتاب طهارت دو فصل کوتاه را به تعریف قیاس و اجتهاد و مذمت آن دو و نیز ذکر ادله چهارگانه فقه و توضیحی کوتاه در باره عام و خاص، محکم و

> شیخ در نهایت عنوان بحث را باب و بعد از اتمام بحث زکات فطره قرارداد و در مبسوط عنوان بحث را نه باب و نه کتاب بلکه فصل و بین بحث زکات مال و زکات فطره قرارداد است. ( فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۴۲؛ النهایه، ص ۱۹۶؛ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تحقیق و تصحیح: سید محمد تقی کشفی؛ المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۲۳۶). همچنین در عین حال که مؤلف در ترتیب و عناوین کلی از نهایت شیخ پیروی کرده، اما در مورد فصل بندی و تفکیک مسائل هر باب با عناوین فصل از مبسوط شیخ پیروی کرده چرا که چنانکه در مبسوط شیخ خبری از عناوین باب نیست و مباحث بعد از عنوان کتاب با عنوان فصل از هم جدا می شود در مقابل در نهایت شیخ خبری از عنوان فصل نیست، بلکه بعد از عنوان کتاب مباحث با عنوان باب از هم تفکیک می شوند، ولی در فقه القرآن علاوه بر عنوان کتاب، دو عنوان باب و فصل هم به کار رفته است که ظاهراً عناوین کتاب و باب از نهایت و عنوان فصل از مبسوط گرفته شده است.

متشابه، مجمل و مفسر، مطلق و مقید و ناسخ و منسوخ در قرآن اختصاص داده است. ۱۹

هر چند کتاب براساس ابواب فقهی تنظیم یافته و از این رو مشابه منابع فقهی است و از منابع تفسیری فاصله گرفته، اما محور بودن قرآن در شیوه بیان بیشتر مطالب نمود دارد. مؤلف معمولاً بر خلاف شیوه مرسوم در آثار فقهی و مطابق شیوه کتب تفسیری، ابتدا آیه مورد نظر را ذکر می کند و سپس به شرح و توضیح نتایج فقهی برخاسته از آن می پردازد. گاهی نیز محور بحث، فرع فقهی است و بعد از طرح آن به آیه مورد نظر خود استدلال می کند. ۲۰

#### در نگاه دیگران

آرای فقهی مؤلف در این کتاب مورد توجه فقیهان بزرگ پس از او بوده است. در بین منابع موجود، اولین کسی که به نقل و نقد آرای مؤلف پرداخته، ابن ادریس متوفی در سال ۵۹۸ است که از او به «بعض أصحابنا المتأخرین من الاعاجم، و هو الراوندي المکنی بالقطب» یاد و با عبارت «و هذا خطی عظیم»<sup>۲۱</sup> نظری را رد می کند؛ ولی روشن نمی کند که منبع او کدام اثر راوندی است. با توجه به اینکه آنچه از او نقل کرده، در فقه القرآن موجود نیست، پس باید از کتاب دیگر او نقل کرده باشد. بعد از وی فقیهانی چون محقق حلی و علامه حلی، فاضل آبی به نقل و نقد آرای وی پرداخته اند، ولی یا مانند ابن ادریس منبعی ذکر نکرده و یا بیشتر از

۱۹. فقه القرآن، ج ۱، ص ۷.

۲۰. همان، ج ۱، ص ۴۹، ۶۱ و ۶۹.

۲۱. ابن ادریس حلی، محمدبن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ایران، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷۷ و ج ۲، ص ۷۳۱.



کتاب دیگر او به نام الرائع که در حال حاضر مفقود است، نقل قول کرده اند.<sup>۲۲</sup> اولین بار شهید اول در البیان آرای مؤلف را از فقه القرآن با همین نام نقل کرده که همو در الذکری از آن تعبیر به الاحکام و احکام القرآن می کند.<sup>۲۳</sup> محقق کرکی آن گاه که خطوط کلی اجتهاد و استنباط را بیان می دارد، در باره استنباط احکام از قرآن، مجتهد را به سه کتاب مهم در این زمینه ارجاع می دهد که اولین آنها فقه القرآن است.<sup>۲۴</sup>

#### مآخذ فقه القرآن

در این کتاب مباحث تفسیری و فقهی در هم آمیخته شده است. مؤلف از نظریات «شیخ طوسی» خصوصاً در دو کتاب «التبیان فی تفسیر القرآن» و «النهایه» و سپس از آرای سید مرتضی و گاهی از استادش شیخ طبرسی در مجمع البیان تأثیر پذیرفته است. او در موارد بسیاری عین عبارات شیخ را در تبیان نقل می کند. این

۲۲. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، المعتبر فی شرح المختصر، تحقیق و تصحیح: محمد علی حیدری، سید مهدی شمس الدین، سید ابو محمد مرتضوی، سید علی موسوی، مؤسسه سید الشهداء (ع)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۵ و ج ۲، ص ۸۹؛ علامه حلی، ابی منصور الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، تحقیق: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۲، ص ۲۱ و ۲۶۳؛ فاضل آبی، حسن بن ابی طالب ابن ابی المجد یوسفی، کشف الرموز فی شرح المختصر النافع، تحقیق و تصحیح: شیخ علی پناه اشتهاردی، آقا حسین یزدی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۴۰.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، البیان، تحقیق و تصحیح: شیخ محمد حسون، قم، چاپ اول، ذکری الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۲.
۲۴. محقق ثانی، علی بن الحسن الکرکی، رسائل المحقق الکرکی، تحقیق و تصحیح: شیخ محمد حسون؛ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی و دفتر نشر اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹.

مطلب را با تطبیق متن هر دو کتاب به آسانی می توان دریافت. مؤلف غالباً در مقام طرح فروع از نهاییه یا مبسوط کمک گرفته و نکات تفسیری را از تبیان و گاهی از مجمع البیان<sup>۲۵</sup> اخذ کرده و به نظم جدید در آورده است. به عنوان نمونه، راوندی در باب وکالت، بی کم و کاست و بدون ذکر منبع به نقل حدود چهار صفحه از مبسوط شیخ می پردازد.<sup>۲۶</sup>

راوندی خود در مقدمه به همین روش تصریح می کند و می گوید:

در تالیف این اثر به آنچه گذشتگان آورده اند، اکتفا می کنم، مگر مطالبی بسیار اندک. عین عبارات آنها را نقل می کنم تا خواننده از عبارات جدید وحشت نکند و این روش من تا آخر کتاب خواهد بود و در این کتاب تنها به جمع سخنان پراکنده اصحابمان می پردازم...<sup>۲۷</sup>

البته این بدان معنا نیست که این تالیف فاقد نوآوری در محتواست، بلکه چنان که در عبارات مؤلف گذشت، مواردی چند از ابتکارات او را می توان در این اثر یافت.

راوندی در بیشتر موارد از فقهای شیعه با تعبیر اصحابنا یاد کرده، ولی در عین

۲۵. النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۱۸۹؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۵۲ محمد بن الحسن الطوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق و تصحیح: احمد قصیر عاملی، مکتب الاعلام الاسلامی، داراحیاء التراث العربی، رمضان المبارک ۱۲۰۹ق، ج ۵، ص ۷۲؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۹۴؛ التبیان، ج ۵، ص ۷۴؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۴۹؛ التبیان، ج ۹، ص ۵۶۲؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۵۰؛ شیخ طبرسی، ابو علی فضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، تحقیق و تعلیق: گروه محققین، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵هـ.ق، ج ۳، ص ۲۸۲؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۲؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۹۱، فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۶.

۲۶. مبسوط، ج ۲، ص ۳۶۰؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۹۱.

۲۷. فقه القرآن، ج ۱، ص ۵.

حال از برخی نام برده است: دو بار از ابن بابویه، هفت بار از شیخ مفید، ۲۵ بار از سید مرتضی و سیزده بار از شیخ طوسی. در مواردی که با تعبیراتی چون «اصحابنا» و مانند آن از دیگران نقل قول می‌کند نیز غالباً مقصودش همین افراد و یا ابن جنید است.

در غالب مواردی که مؤلف در این کتاب از شیخ نام برده است، فقط به نقل فتوای شیخ بسنده کرده و اظهار نظری نفیاً یا اثباتاً نکرده است. گاهی نیز با او مخالفت کرده است.<sup>۲۸</sup>

هنگام نقل قول از سید مرتضی نیز در مواردی ظاهر کلامش مخالفت است.<sup>۲۹</sup>، لیکن در بیشتر موارد فقط به نقل قول او می‌پردازد و در یک مورد با صراحت، قول سید را در مقابل قول شیخ مفید تقویت می‌کند.<sup>۳۰</sup> در کلمات سایر فقها نیز موارد کمی یافت می‌شود که مؤلف را از مخالفان فتوای

۲۸. همان، ج ۲، ص ۳۵۷: «ولیس لأحد أن يقول: ألزمت نفسك في إيراد هذا الجواب بهذا التطويل شيئاً ليس يلزمك وقد أمكنك رد السائل بأن لو دفعته بإبطال دليل الخطاب و ذلك، لأن هذه الآية مظنة للنصوص على الموارد مفصلة في أصولها غير مجملة ليست آية من القرآن بهذا التفصيل في المعنى ولو أوجب السائل بذلك لكان دفعاً بالراح ولم يكن مغنياً، بل يلزمني مع ذلك إيراد النص على ذلك من الآية أو من موضع آخر من الكتاب أو السنة و الاشتغال بالأحسن أولى مع أن دليل الخطاب - وإن كان المرتضى يمنع منه - و هو قوي و كلامه لا غبار عليه فإن الشيخ المفيد كان يقول به و ينصره و الشيخ أبو جعفر الطوسي كان متوقفاً فيه».

۲۹. همان، ج ۱، ص ۶۶: «ولا يجوز فيما استعمل في غسل الجنابة و الحيض و أشباههما ممّا يزال به كبار النجاسات و بذلك نصوص عن أئمة الهدى (ع). و في تأييد جواز ما استعمل في الوضوء قوله: «فلم تجدوا ماء فتيّموا - مائده، آیه ۶- و هذا الضرب من الماء مستحق للاسم على الإطلاق و في منع ما سواه نص ظاهر و احتياط للصلاة قاله الشيخ المفيد. و قال المرتضى: يجوز استعمال الماء المستعمل في الأغسال الواجبة أيضاً إذا لم تكن نجاسة على البدن لعموم هذه الآية و قد أشرنا في الباب الأول إلى هذا».

۳۰. همان، ج ۲، ص ۳۵۷.

شیخ شمرده باشند. ۳۱

مؤلف با به کارگیری شیوه فقه مقارن، در موارد بسیاری به بیان نظریات اختلافی میان فقیهان شیعه و سنی پرداخته و در غالب این گونه موارد، آرای اهل سنت را بی آنکه تصریح کند، از تفسیر تبیان نقل کرده است. مؤلف همچون شیخ و سید مرتضی از عنوان «الفقهاء» برای بیان فتاوی فقیهان اهل سنت استفاده کرده و حدود هفتاد بار این واژه را به کار برده است. علاوه بر این در ۳۹ مورد از ابوحنیفه، ۴۶ مورد از شافعی و نوزده مورد از مالک نقل قول کرده است؛ ولی در سراسر کتاب هیچ پادی از احمد بن حنبل نمی کند. شیخ طوسی نیز در تبیان از میان پیشوایان چهار مذهب فقهی اهل سنت فقط از احمد بن حنبل یاد نکرده و در مبسوط تنها در دو مورد از وی نقل قول کرده است، ولی در کتاب خلاف در موارد متعددی به نقل آرای او پرداخته است. این نکته شاهد دیگری بر تأثیر فراوان برخی از آثار شیخ به خصوص تفسیر تبیان بر فقه القرآن است.

راوندی از دیگر فقهای عامه مانند مجاهد، قتاده و حسن نیز نقل قول می کند و از میان مفسران اهل سنت بیش از همه به طبری اشاره داشته است. شواهد گوناگون از جمله تشابه عبارات، گویای این است که مؤلف در این گونه موارد نیز از تبیان استفاده کرده و مراجعه مستقیم به آثار این دانشمندان نداشته است.<sup>۳۲</sup>

۳۱. فاضل هندی اصفهانی، محمد بن حسن بن محمد، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، تحقیق و تصحیح: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۴۳۲؛ اعرجی، سید عمید الدین عبدالمطلب بن محمد، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، تحقیق و تصحیح: محیی الدین واعظی، حاج کمال کاتب، جلال اسدی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۱۹۸؛ البیان، ص ۳۳۷؛ جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۷۷.

۳۲. فقه القرآن، ج ۱، ص ۵۷ و ۱۵۷ مقایسه کنید با تبیان، ج ۲، ص ۲۲۲ و ۱۱۶۴؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۰۴ و ۱۵۷ مقایسه کنید با تبیان، ج ۱، ص ۵۳۴ و ۴۱۶.

گاهی مؤلف از کتب خاصی همچون «المولد و المبعث» تألیف احمد بن اعثم کوفی متوفی در سال ۳۱۴ و تفسیر ابومسلم بن مهرایزد اصفهانی معتزلی متوفی در سال ۳۲۲ نقل قول می کند. ۳۳

همچنین او از کتاب مسائل الخلاف شیخ مفید نقل قول کرده؛ در حالی که این کتاب اینک در دسترس نیست. بعد از وی نیز تنها محقق حلی در برخی رسائل خود از آن کتاب نقل کرده است. ۳۴

بی تردید این کتاب در توجه بیشتر به فقه قرآنی در عرصه اجتهاد مؤثر بوده و راوندی نیز به همین منظور آن را تألیف کرده است. او در مقدمه کتاب از این گلایه دارد که غالب فقهای شیعه بر این باورند که در فقه با وجود اجماع و سنت، نیازی به استدلال به قرآن نیست. بعد از راوندی، فقهایمانند فاضل مقداد صاحب کنزالعرفان، محقق اردبیلی صاحب زیده البیان و فاضل جواد کاظمی صاحب مسالک الافهام راه او را ادامه دادند.

#### آرای خاص

راوندی چنان که از فصول مختلف این مقاله آشکار می شود، به شدت تحت تأثیر شیخ طوسی است؛ تا جایی که برخی او را از مقلدین شیخ بر شمرده اند<sup>۳۵</sup>. اما با این وجود، در این کتاب آرای خاصی است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. کراهت سفر قبل از نماز در روز جمعه؛ در حالی که در مفتاح الکرامه

۳۳. فقه القرآن، ص ۱۴۹ و ۴۱۷ و ج ۲، ص ۱۱۹.

۳۴. همان، ج ۱، ص ۱۴۲؛ محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، الرسائل التسع، تحقیق و تصحیح: رضا استادی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۶.

۳۵. کشف الرموز، ج ۱، ص ۴۰.

می گوید: بر حرمت آن قبل از نماز مخالفی غیر از مؤلف فقه القرآن نیافتم. <sup>۳۶</sup> این در حالی است که شیخ طوسی فتوا به حرمت داده است. <sup>۳۷</sup>

۲. ذات الاشاجع از اعضای بدن حیوان است که فقها فتوا به حرمت یا کراهت خوردن آن داده اند و بیشتر آنان آن را به عضوی میان سُم حیوان معنی کرده اند، ولی راوندی بر خلاف مشهور فقها و موافق کیدری، ذات الاشاجع را به موضع ذبح و مجمع عروق معنا کرده است. <sup>۳۸</sup>

۳. قول به دخول شقیقه در وجه و لزوم شستن آن در وضو. صاحب حدائق پس از نسبت این قول به راوندی و مخالفت آن با مشهور می گوید: «ممکن است کلام راوندی را بر آن بخش از شقیقه حمل کنیم که بر آن مو نوییده است». <sup>۳۹</sup> راوندی این قول را از تبیان گرفته است؛ زیرا شیخ در تبیان این قول را از برخی از علمای عامه نقل می کند و سپس می گوید: «این قول مذهب ماست» <sup>۴۰</sup>. مؤلف نیز عبارت شیخ را با تغییراتی جزئی نقل کرده است <sup>۴۱</sup>. در حالی که شیخ در کتاب

۳۶. فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۳۴؛ مفتاح الکرامه، ج ۸، ص ۴۹۰.

۳۷. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، الخلاف، تحقیق و تصحیح: شیخ علی خراسانی، سید جواد شهرستانی، شیخ مهدی طه نجف، شیخ مجتبی عراقی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ. ق، ج ۱، ص ۶۰۹؛ مبسوط، ج ۱، ص ۱۴۶.

۳۸. فقه القرآن، ج ۲، ص ۲۵۸، کیدری، قطب الدین محمد بن حسین، اصباح الشیعة بمصباح الشریعه، تحقیق و تصحیح: شیخ ابراهیم بهادری مراغی، مؤسسه امام صادق (ع) قم، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق، ص ۳۸۸.

۳۹. بحرانی، شیخ یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، تحقیق و تصحیح: محمد نقی ایروانی، سید عبدالرزاق مقررّم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۲۲۹؛ میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، غنائم الايام فی مسائل الحلال والحرام، مکتبة آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۲۱.

۴۰. تبیان، ج ۳، ص ۴۵۰.

۴۱. فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۴.

خلاف حد وجه را از حیث عرضی فاصله بین انگشت ابهام و وسط دانسته و در مقام استدلال به روایتی که در آن به عدم دخول شقیقه در حد وجه تصریح شده، استناد کرده است. ۴۲

۴. عدم جواز مغایرت خطیب با امام در نماز جمعه<sup>۴۳</sup>. شهید اول مخالف جواز را منحصر در راوندی دانسته است. ۴۴

#### ادله فقهی

موضوع این کتاب فقه قرآنی است، اما مؤلف از سایر ادله نیز بهره گرفته است. او در آغاز کتاب، ادله فقهی را کتاب، سنت، اجماع و عقل شمرده<sup>۴۵</sup> و در سراسر کتاب در کنار استدلال به قرآن که محور مباحث کتاب است به سایر ادله نیز به خصوص سنت و اجماع تمسک کرده است. ادعای اجماع او در مواردی مورد استناد فقهای دیگر قرار گرفته است. ۴۶

مبنای حجیت اجماع در نزد وی، چنان که از ظاهر کلام او استفاده می شود<sup>۴۷</sup>، اجماع دخولی است و این موافق نظر سید مرتضی و بر خلاف دیدگاه شیخ طوسی است.

۴۲. خلاف، ج ۱، ص ۷۶.

۴۳. فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴۴. مکی عاملی (شهید اول)، الدروس الشرعية في فقه الإمامية، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۸۸.

۴۵. فقه القرآن، ج ۱، ص ۶.

۴۶. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۶۷؛ کشف اللثام، ج ۲، ص ۳۲ و ۳۹؛ مستند الشیعه، ج ۱۰، ص ۸۳ و ج ۶، ص ۱۷۰ و ج ۳، ص ۴۵۸.

۴۷. فقه القرآن، ج ۲، ص ۹۳: «وإنما قلنا: إن إجماعهم حجة؛ لأن في إجماع الإمامية قول الإمام الذي دلّت العقول على أن كل زمان لا يخلو من رئيس معصوم لا يجوز عليه الخطأ في قول و لا فعل فمن هذا الوجه كان إجماعهم حجة و دلالة قاطعة».

مؤلف در استدلال به ادله، نظم خاصی ندارد. گاهی اجماع و سنت را مقدم می‌دارد و گاهی قرآن دلیل اول است و سپس اجماع و سنت. البته استدلال به دلیل عقل، در فقه القرآن کمتر به چشم می‌خورد.

او در موارد بسیاری برای اینکه ارتباط روایتی را با بحث قرآنی نشان دهد، به آیات «و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»<sup>۴۸</sup> و «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس»<sup>۴۹</sup> استشهاد می‌کند. از این رو، این دو آیه بیش از هر آیه دیگر در این کتاب مورد استناد قرار گرفته است.

راوندی اذعان دارد که برخی از استدلال‌های او به آیات قرآن از قوت کافی برای اثبات احکام شرعی برخوردار نیست و ممکن است متهم شود به اینکه استدلال‌های او به قرآن همانند استدلال‌های ضعیف عامه است. او در توجیه چنین استدلال‌هایی می‌گوید:

چون نصوص روایی معتبر و اجماع بر صحت احکام شرعی مزبور وجود دارد از این رو این گونه استدلال‌های قرآنی را برای فزونی دلایل این احکام ذکر می‌کنم.<sup>۵۰</sup>

نویسنده گاهی استدلال دیگران به آیات قرآن را نقل می‌کند و به آنها جواب می‌دهد<sup>۵۱</sup> و در مواردی نیز استدلال دیگران را نقل می‌کند و بدون داوری از آن می‌گذرد<sup>۵۲</sup> و در پاره‌ای موارد، دلایل دیگری بر آن استدلال‌ها می‌افزاید.<sup>۵۳</sup>

۴۸. همان، ج ۱، ص ۶۲، ۸۰، ۹۹، ۱۰۲ و ۱۶۱.

۴۹. همان، ج ۱، ص ۲۷ و ج ۲، ص ۳۵۸.

۵۰. همان.

۵۱. همان، ج ۲، ص ۱۰۰ و ۲۴۹.

۵۲. همان، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۸۲، ج ۲، ص ۱۳۲.

۵۳. همان، ج ۱، ص ۳۴۹.



او در مورد بعضی از آیات، استدلال‌های متعدد و متغایری دارد؛<sup>۵۴</sup> در حالی که هریک از آن استدلال‌ها مبتنی بر انتخاب یک قول خاص در تفسیر آن آیه است که با اقوال دیگر قابل جمع نیست، شاید این شیوه او که خالی از تسامح نیست به جهت میل او به تکثیر ادله باشد که پیشتر از او نقل کردیم.

در موارد اختلافی فقه شیعه و اهل سنت و برای اثبات قول شیعه، به ادله‌ای که فقط نزد آنان معتبر است نیز استدلال می‌کند.<sup>۵۵</sup>

#### آرای اصولی

برخی از نظریات اصولی راوندی که در لابه لای مباحث مختلف این کتاب مطرح شده است، عبارت است از فرق میان عام و مجمل<sup>۵۶</sup>، حمل الفاظ قرآن بر معانی شرعی هنگام تردید میان معنای لغوی و شرعی<sup>۵۷</sup>، امکان تخصیص عام قرآنی به سنت قطعی،<sup>۵۸</sup> عدم ثبوت نسخ قرآن به سنت،<sup>۵۹</sup> عدم جواز تبعیت از رای مفسران در صورتی که ظاهر آیه موافق آن نیست، مگر هنگامی که آن رای اجماعی باشد<sup>۶۰</sup>، عدم استلزام تخصیص یک جمله با تخصیص جملات متعاقب<sup>۶۱</sup>، اقسام چهارگانه دلالت دلیل<sup>۶۲</sup> و حجیت احکام شرایع قبل از اسلام،

۵۴. همان، ص ۱۰۷، ۱۶۰، ۴۱۰ و ۴۱۶.

۵۵. همان، ج ۲، ص ۱۰۶.

۵۶. همان، ج ۱، ص ۴۱۵.

۵۷. همان، ص ۵۶ و ج ۲، ص ۱۰۸ و ۱۰۴.

۵۸. همان، ج ۲، ص ۳۵۲.

۵۹. همان، ج ۱، ص ۳۷۰.

۶۰. همان، ج ۲، ص ۴۲۸.

۶۱. همان، ص ۶۸.

۶۲. همان، ص ۳۵۸.

در صورتی که دلیل قطعی از سنت و کتاب بر نسخ آن نداشته باشیم.<sup>۶۳</sup>

راوندی در موارد زیادی با طرح مباحث ادبی و لغوی، استدلال به آیات قرآن بر احکام فقهی می‌کند. این ویژگی در فقه القرآن نمود زیادی دارد و شاید به همین جهت، برخی از ارباب تراجم او را از ادبا بر شمرده‌اند؛<sup>۶۴</sup> هر چند در بسیاری از این موارد نیز از آثار شیخ استفاده کرده است.<sup>۶۵</sup>

تعداد آیات الاحکام که مؤلف در کتاب ذکر کرده، بیش از ۶۱۰ آیه است.<sup>۶۶</sup> او گاهی به آیات مربوط به قصص انبیا استدلال می‌کند؛ مثلاً به آیه‌های ۱۹ و ۶۲ از سوره کهف که مربوط به داستان اصحاب کهف و موسی و خضر است برای موضوع وکالت<sup>۶۷</sup> و به آیه ۱۰ از سوره یوسف که مربوط به داستان یوسف است و آیه ۸ از سوره قصص که مربوط به داستان تولد موسی است، برای موضوع نُقطه استدلال کرده است.<sup>۶۸</sup>

۶۳. همان، ص ۴۱۶.

۶۴. عمر کحّاله، معجم المؤلفین، مکتبة المثنی و دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۴، ص ۲۲۵.

۶۵. فقه القرآن، ج ۱، ص ۲۱؛ تبیان، ج ۳، ص ۴۵۴؛ فقه القرآن، ج ۱، ص ۴۲ و ۵۹؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۱۹۹ و ۲۱۴.

۶۶. این در حالی است که برخی مانند شهید ثانی تعداد آن را حدود پانصد آیه دانسته‌اند (شهید ثانی، منیة المرید)، تحقیق و تصحیح: رضا مختاری، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ. ق، ص ۳۷۸.

۶۷. فقه القرآن، ج ۱، ص ۳۹۴.

۶۸. همان